



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فصل، کتب، قوانین، سوچه و مطراند - گزارش کسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - اخبارات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۷۹۵ هجری قمری ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۳ سال دهم

شماره مسلسل ۴۹

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۹۹

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه

۱۱ شهریور ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات آقای نایب رئیس راجع به حفظ نظم جلسات
- ۳- بیانات قبل از دستور آقایان: شوشتری و تیمورتاش
- ۴- بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ راجع به ترمیم حقوق معلمین
- ۵- ختم جلسه بعنوان تنفس



مجلس دو ساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر برپاست آقای نورالدین امامی (نایب رئیس) تشکیل گردید

### (۱- تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: هدی بیات ماکو - قوامی - جلیلی - احمد شاه - خاکباز - امید سالار - سلطان العلماء - سلطانی - ابراهیمی - عرب شیبانی - مهندس شاهرخشاهی - حائری زاده - میرافشاری

غائبین بی اجازه - آقایان: باقر پورشرقی - حشمتی - ارباب - دکتر عمید - مرتضی - فضیفری - سعیدی - کدیوری - شفیعی - مهندس اردبیلی - دکتر عدل - سالار بهزادی - پرومند  
میرآدم گل زود رفتهگان با اجازه - آقایان: مستنسی - عبدالرحمن فرامرزی

و تقه الاسلامی یک ساعت و ۲۰ دقیقه آقایان تجدد و اردلان دو ساعت آقایان صراف زاده - دکتر سعید حکمت - مرتضی حکمت اوزنگ - ۳۰ دقیقه  
غائبین در رأی آقایان: شیبانی - کبکدوسی - یگرای  
نایب رئیس - آقای بهبهانی نسبت بصورت مجلس نظری داربد بفرمائید  
بهبهانی - پیشنهادی که بنده در جلسه قبل راجع بشصهره ۲ داده بودم گویا تحریف شده است پیشنهاد بنده اینست که کسانی که بعدها بدرجه لیسانس یا مهندس نائل میشوند بتوانند از این قانون استفاده کنند یعنی رتبه آنها بر تبه دیگری تبدیل شود  
نایب رئیس - بعین پیشنهاد شما رأی گرفته شده است و همین همان هم عمل

خواهد شد. آقایان قنات آبادی  
قنات آبادی - بنده اولاً میخواستم از مقام ریاست استعفا کنم که دستور بفرمایند این صورت جلسات را زودتر تهیه بکنند تا ما بتوانیم زودتر مطالعه کنیم اما گزارش اصلاح و اعتراضاتی هست اینجا بیان شود که اصلاح بشود یک اصلاحات عبارتی هست در صورت جلسه که اصلاح میکنم و میدهم به تند نویسی مطلب دیگر اینست که مطالبی که بنده در مجلس شورای ملی عرض کردم یک کلمه از آن راز ادب و طهران منتشر نکرد فقط گفت که شمس قنات آبادی راجع به نفت و مطبوعات صحبت کرد و لایق و در حال اینکه مطالب دیگر را به تفصیل گفته و هلش هم این است که آن کسی که در رأس تبلیغات قرار گرفته رسماً نوکسر سفارت انگلیس بوده و در سفارت انگلیس ایرانی ها را استنطاق میکرد است...  
نایب رئیس - خواهش میکنم راجع بصورت جلسه بفرمائید  
شمس قنات آبادی - دو وقت وقتی که یک نوکر سفارت را در اس اداره تبلیغات میگذارد بهتر از این نمیشود  
نایب رئیس - آقایان اگر نسبت بصورت جلسه اعتراضی دارند بفرمایند و الا تذکرات خارج از موضوع در صورت جلسه اگر بفرمایند این اصلاح بدست میشود و صلاح آقایان هم نیست نظری دیگر در صورت جلسه نیست؟ (اظهاری نشد)  
صورت جلسه قبل تصویب شد  
(۲- بیانات آقای نایب رئیس راجع به حفظ نظم جلسات)

نایب رئیس - آقایان نمایندگان محترم تصدیق میرمائید یکی از خصائص حکومت مشروطه و پارلمانی آزادی نطق و بیان است همانطور که هر یک از آقایان محترم انتظار دارند در موفقی که مشغول نطق میباشد همه آقایان توجه داشته و سکوت نمایند همانطور هم بایستی موفقی که ناطقی

مشغول صحبت می باشد ولو اینکه اظهارات کوبنده مغالط عقیده و نظر همدای باشد بایستی سکوت نمایند تا بیانات ناطق تمام شده بعداً نظریات خود را اظهار فرمایند. تنی دادم آقایان محترم باین موضوع توجه فرمایند که از لحاظ آئین نامه و از هر جهت رعایت انتظامات بعمل آید (صدیح است احسن)  
(۳- بیانات قبل از دستور آقایان: شوشتری و تیمورتاش)  
نایب رئیس - با اجازه آقایان نطق های قبل از دستور شروع میشود.  
تیمورتاش - نمیشود آقا شوشتری - خودتان که برای قبل از دستور اسم نوشته اید (تیمورتاش به پیشبند اشتباه کرد)  
نایب رئیس - چون آقای تیمورتاش مخالفند نوشتن را ببخش دیگری خواهم داد - بفرمائید آقای شوشتری

شوشتری - بنده اسم آقا رحمن الر حیم به و آ این قسمت را عرض میکنم من نزدیک به سی سال است بجناب آقای عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات سابقه دارم از وقتی که ایشان فقط یک خبر تهیه میکردند و بجز این میدادند و برای یک هلی که نسبت بسببک خدمتگزاری بود در موقع طرح لایحه هواپیمایی یونکرس بن اطلاع داد و اتوقت بنفع ملکیت بود باو خصوصیت میداد کردیم تا این تاریخ هم عدول از خصوصیت و رفاهیت نکردم حتی مقالات مهم با تاریخ اسرار حازه خراسان را در روزنامه اطلاعات چاپ میکردند که متأسفانه آن مقالات را برای احوال فریبضی افراد در آنجا کوتاه کردم چون من وقت ندارم خاطرات خود را بنویسم آنچه را که در دستم باقیست است برای خدمت بسببک لازم بود در نظر داشتم در آن مقالات اطلاع عموم برسانم متأسفانه که ۸۷ شماره بیشتر درج نشده و اگر آن تاریخ اسرار حازه خراسان و قتل مرحوم مدرس و جزئیات مشروطیت آن تاریخ ضبط میشد

برای نسل حاضر و بعد یک تاریخ معلوم  
مفصل مستند با اساسی بود (میکرم)  
بسیار تاریخ جامع بود که بعد میخورد  
نشود. بعد از آن تاریخ بنی در راههای مختلف  
طوری شد که بعضی از کارگان روزنامه  
اطلاعات نسبت بسبب لطفی کردند خوب  
چیزی ندارد فرض استمداد از خبر روزنامه  
اطلاعات که از نطق من چیزی در  
آن روزنامه نوشته شود با تصور اینکه  
تعریف می شود دروغ است دروغ است  
دووغ است و روزنامه اطلاعات انتشار دروغ  
نیاید بعد من عظیم مارات غلط نیکویم  
(میراشرافی - اطلاعات را به ما بشود  
است) اجازه بدهید من با لباس سعودی  
رقم نیاوم بر یک مپاو ارادت خواهم داشت  
ولی سلفه ندارد نوی روزنامه شما سلفه ندارد  
اجزایش را اداره کنه و بهرین معتز پروی  
استول و دیگر با او لغوش روزی داده چون  
اصطفا لصفه منقد (فاتح آقا) است عزیزین  
بجایگاه داران (در این دو بیان بی پروی خیالک  
که مرفه نزد (میراشرافی) آتای خوشتری  
خوشتر - خانه کوراداد (میراد) نوشت  
بهرین نشانه چه معلول در روزنامه است)  
من از بیگانگان هر کار نالام من خشکن  
میکم (آقای) نوبالین (امام) که امروز  
این بیانات را فرموده و کیل ذکر نتواند  
دو مجلس طباق را بگوید و لاکر آزادی  
نداشته باشد یعنی فرض از آتای مجلس  
چیست ؟ و هر وقت در مجلس برای حکمت  
بچه یوزد میخورد و کیل با بهایه هرهای  
عوض را بگوید و حقیقت این را اظهار  
کند این عقیده و حرف او را مستند و مستند  
بدلیق است یا خارج از دلیل باشد اگر  
خارج از قیاس است و کیل دیگر نیاید  
معتز دیگری در صورت ملومات لای دیگر اورنگ ها  
مستقل است و بی قرین البته فرود توجه  
قوانین میگرد و چند عادت ندارد بگفتن من  
گفتی مستم کور دور ۲۶ دوشین من بیز  
ازینجا بصر میاید از بیچاره چند سال چون  
دو کیس از آن حال بزرگ رفعت بودم از  
آن اسفاد آن مرد معتز منصفه بیبیل  
الله فایز شناسی کرد آن نظر حساد  
جان اشراف من استانی که از لطف تو منایت  
آن مرد بزرگ که در آن شهر در روز  
تولدت علی مرتضی ۵ بداد آتای من خدمت  
لای روزی سال گفتم حضرت حاج شیخ  
فضل آقا نورانی و خارجی با دراز در آبروی  
بنا کرد و من این شهادت را داشتم گفتم  
والا عهد گفتم ام هم بدون میاید نیت من  
مرتضی من بگویم بیشتر من ساخته ام حقه  
برای من چند شب پیش پیش آمد ذکر  
کی گفتم چون مشغول نشین خدمت من  
بیل برای پیش آمد ذکر کی برای کسی  
پیش نیامد میدان را خالی میکرد من  
میدان خالی کی چشم زهرم که بگریز  
پیش نیامد میدان را خالی میکرد من  
میدان خالی کی چشم زهرم که بگریز  
پیش نیامد میدان را خالی میکرد من

مفاد ملک را انگلیس بیرون آید که  
استاد است که در وقت و وقت  
تعلق حکمکرم بدم از بن نه در اینجا  
الان این صورت مجلس است در یکجا قبل  
آتای مدال صاحب ساقی منصفه من  
اطلاع داده که تصمیماتی گرفته شده  
است برای سکویین توو کوپین من گفتم  
بعق میگویند بنای با حق اگر بعق میگویند حق  
کوپیده شن دارم اما اگر بنای میگویند  
بدانید آنکه بنای با حق بگوید چاهو کوپید  
و چشم ناق کوپین خود خواهد شد مثل  
مصداق گفتند برای چه؟ گفتم تو صاف و  
پوست کنده علیه بشو بک و حزب توده و  
بیک خاصگی که دارند این ملک را از  
صورت امنیت خارج می کنند داری بانام  
جدید از دولت خود حمایت میکنی من عاشق  
۲۸ مرداد این واقعه شد تا روز ۱۴ مرداد  
۴۰ فر فر صبح اولی این جهت - تابان - اینجا  
نشسته اند - تابان بنام خائین به  
ملکت زور میزد قربان باید بدار آورفته  
شده باشیم والان هم بچوب های چراغها  
دارایین را هم ساخته اند بعد از ما هم  
بچوب های چراغها را آورفته شده باشند  
اما بقیه داشتم توساعت به ظهر مانده آتای  
دکتر مصداق بداد آورفته میشه و آقای  
دکتر شایگان را تا آن سکونت جمعی  
فراز میگرفتند رادمنش از روسه بیامد  
همه سند دارد استاد دارد خوب غدا  
نخواست و امام اینجه استیم این جناب اورنگ  
این پدر بنده که خدا انشاء الله اورنگ و  
امثال او را در این ملک باقی بدارد اگر  
اینجا برزده آتوت معلوم میشود این ملک  
با وضیعت ملومات لای دیگر اورنگ ها  
تربیت نمیکند (مصباح است) (مشایخ -  
کمال مصباح است) این اورنگ بنده است  
حالی داشتم شاهنشاهی جو بیعت عزیز مرتضی  
۴ که جواب نظایه را در ۱۷ اردیبهشت که  
۴ ماه بعد ۲۸ مرداد شد - جواب  
نظایه را که آنجا نوشته بودم  
وقتی که اعلیحضرت آن جواب را خواندند  
فرمودند - ترا نگرفته گفتم تقریباً مرا  
نی خود گرفت مراباید گفت برای اینکه  
بنا که من بی لطفی کردند (دکتر بنیاد -  
گرفتن من فاسد بگزارش نوی می شود آنها  
هم می مانند خوب این مقدمه ای بود گفتم  
متأسفم که با تربیت امروز من تربیت نشدم  
که فریز روز یک جور فکر بکنم بکنم من همان  
جور فکر آتوتی است یک جور فکر میکنم  
برویم خوبان ارسلا ن خلع فیری من منصفه  
نیکم بازم میگویم ارسلا بنزله از لاد  
من است از لاد دوست دارم ۸ - سلا قبل  
جلوی داد گسری باور میدم گفتم ارسلا ن  
براز من گوش نکرد تو گوش کن حزب  
ایران هست از حزب توده پوست است  
بناشتر که در روزی در وقت من بودی که  
و کی و اینها هسته این تکلیف داده اند

مفاد ملک را انگلیس بیرون آید که  
استاد است که در وقت و وقت  
تعلق حکمکرم بدم از بن نه در اینجا  
الان این صورت مجلس است در یکجا قبل  
آتای مدال صاحب ساقی منصفه من  
اطلاع داده که تصمیماتی گرفته شده  
است برای سکویین توو کوپین من گفتم  
بعق میگویند بنای با حق اگر بعق میگویند حق  
کوپیده شن دارم اما اگر بنای میگویند  
بدانید آنکه بنای با حق بگوید چاهو کوپید  
و چشم ناق کوپین خود خواهد شد مثل  
مصداق گفتند برای چه؟ گفتم تو صاف و  
پوست کنده علیه بشو بک و حزب توده و  
بیک خاصگی که دارند این ملک را از  
صورت امنیت خارج می کنند داری بانام  
جدید از دولت خود حمایت میکنی من عاشق  
۲۸ مرداد این واقعه شد تا روز ۱۴ مرداد  
۴۰ فر فر صبح اولی این جهت - تابان - اینجا  
نشسته اند - تابان بنام خائین به  
ملکت زور میزد قربان باید بدار آورفته  
شده باشیم والان هم بچوب های چراغها  
دارایین را هم ساخته اند بعد از ما هم  
بچوب های چراغها را آورفته شده باشند  
اما بقیه داشتم توساعت به ظهر مانده آتای  
دکتر مصداق بداد آورفته میشه و آقای  
دکتر شایگان را تا آن سکونت جمعی  
فراز میگرفتند رادمنش از روسه بیامد  
همه سند دارد استاد دارد خوب غدا  
نخواست و امام اینجه استیم این جناب اورنگ  
این پدر بنده که خدا انشاء الله اورنگ و  
امثال او را در این ملک باقی بدارد اگر  
اینجا برزده آتوت معلوم میشود این ملک  
با وضیعت ملومات لای دیگر اورنگ ها  
تربیت نمیکند (مصباح است) (مشایخ -  
کمال مصباح است) این اورنگ بنده است  
حالی داشتم شاهنشاهی جو بیعت عزیز مرتضی  
۴ که جواب نظایه را در ۱۷ اردیبهشت که  
۴ ماه بعد ۲۸ مرداد شد - جواب  
نظایه را که آنجا نوشته بودم  
وقتی که اعلیحضرت آن جواب را خواندند  
فرمودند - ترا نگرفته گفتم تقریباً مرا  
نی خود گرفت مراباید گفت برای اینکه  
بنا که من بی لطفی کردند (دکتر بنیاد -  
گرفتن من فاسد بگزارش نوی می شود آنها  
هم می مانند خوب این مقدمه ای بود گفتم  
متأسفم که با تربیت امروز من تربیت نشدم  
که فریز روز یک جور فکر بکنم بکنم من همان  
جور فکر آتوتی است یک جور فکر میکنم  
برویم خوبان ارسلا ن خلع فیری من منصفه  
نیکم بازم میگویم ارسلا بنزله از لاد  
من است از لاد دوست دارم ۸ - سلا قبل  
جلوی داد گسری باور میدم گفتم ارسلا ن  
براز من گوش نکرد تو گوش کن حزب  
ایران هست از حزب توده پوست است  
بناشتر که در روزی در وقت من بودی که  
و کی و اینها هسته این تکلیف داده اند

مفاد ملک را انگلیس بیرون آید که  
استاد است که در وقت و وقت  
تعلق حکمکرم بدم از بن نه در اینجا  
الان این صورت مجلس است در یکجا قبل  
آتای مدال صاحب ساقی منصفه من  
اطلاع داده که تصمیماتی گرفته شده  
است برای سکویین توو کوپین من گفتم  
بعق میگویند بنای با حق اگر بعق میگویند حق  
کوپیده شن دارم اما اگر بنای میگویند  
بدانید آنکه بنای با حق بگوید چاهو کوپید  
و چشم ناق کوپین خود خواهد شد مثل  
مصداق گفتند برای چه؟ گفتم تو صاف و  
پوست کنده علیه بشو بک و حزب توده و  
بیک خاصگی که دارند این ملک را از  
صورت امنیت خارج می کنند داری بانام  
جدید از دولت خود حمایت میکنی من عاشق  
۲۸ مرداد این واقعه شد تا روز ۱۴ مرداد  
۴۰ فر فر صبح اولی این جهت - تابان - اینجا  
نشسته اند - تابان بنام خائین به  
ملکت زور میزد قربان باید بدار آورفته  
شده باشیم والان هم بچوب های چراغها  
دارایین را هم ساخته اند بعد از ما هم  
بچوب های چراغها را آورفته شده باشند  
اما بقیه داشتم توساعت به ظهر مانده آتای  
دکتر مصداق بداد آورفته میشه و آقای  
دکتر شایگان را تا آن سکونت جمعی  
فراز میگرفتند رادمنش از روسه بیامد  
همه سند دارد استاد دارد خوب غدا  
نخواست و امام اینجه استیم این جناب اورنگ  
این پدر بنده که خدا انشاء الله اورنگ و  
امثال او را در این ملک باقی بدارد اگر  
اینجا برزده آتوت معلوم میشود این ملک  
با وضیعت ملومات لای دیگر اورنگ ها  
تربیت نمیکند (مصباح است) (مشایخ -  
کمال مصباح است) این اورنگ بنده است  
حالی داشتم شاهنشاهی جو بیعت عزیز مرتضی  
۴ که جواب نظایه را در ۱۷ اردیبهشت که  
۴ ماه بعد ۲۸ مرداد شد - جواب  
نظایه را که آنجا نوشته بودم  
وقتی که اعلیحضرت آن جواب را خواندند  
فرمودند - ترا نگرفته گفتم تقریباً مرا  
نی خود گرفت مراباید گفت برای اینکه  
بنا که من بی لطفی کردند (دکتر بنیاد -  
گرفتن من فاسد بگزارش نوی می شود آنها  
هم می مانند خوب این مقدمه ای بود گفتم  
متأسفم که با تربیت امروز من تربیت نشدم  
که فریز روز یک جور فکر بکنم بکنم من همان  
جور فکر آتوتی است یک جور فکر میکنم  
برویم خوبان ارسلا ن خلع فیری من منصفه  
نیکم بازم میگویم ارسلا بنزله از لاد  
من است از لاد دوست دارم ۸ - سلا قبل  
جلوی داد گسری باور میدم گفتم ارسلا ن  
براز من گوش نکرد تو گوش کن حزب  
ایران هست از حزب توده پوست است  
بناشتر که در روزی در وقت من بودی که  
و کی و اینها هسته این تکلیف داده اند

مفاد ملک را انگلیس بیرون آید که  
استاد است که در وقت و وقت  
تعلق حکمکرم بدم از بن نه در اینجا  
الان این صورت مجلس است در یکجا قبل  
آتای مدال صاحب ساقی منصفه من  
اطلاع داده که تصمیماتی گرفته شده  
است برای سکویین توو کوپین من گفتم  
بعق میگویند بنای با حق اگر بعق میگویند حق  
کوپیده شن دارم اما اگر بنای میگویند  
بدانید آنکه بنای با حق بگوید چاهو کوپید  
و چشم ناق کوپین خود خواهد شد مثل  
مصداق گفتند برای چه؟ گفتم تو صاف و  
پوست کنده علیه بشو بک و حزب توده و  
بیک خاصگی که دارند این ملک را از  
صورت امنیت خارج می کنند داری بانام  
جدید از دولت خود حمایت میکنی من عاشق  
۲۸ مرداد این واقعه شد تا روز ۱۴ مرداد  
۴۰ فر فر صبح اولی این جهت - تابان - اینجا  
نشسته اند - تابان بنام خائین به  
ملکت زور میزد قربان باید بدار آورفته  
شده باشیم والان هم بچوب های چراغها  
دارایین را هم ساخته اند بعد از ما هم  
بچوب های چراغها را آورفته شده باشند  
اما بقیه داشتم توساعت به ظهر مانده آتای  
دکتر مصداق بداد آورفته میشه و آقای  
دکتر شایگان را تا آن سکونت جمعی  
فراز میگرفتند رادمنش از روسه بیامد  
همه سند دارد استاد دارد خوب غدا  
نخواست و امام اینجه استیم این جناب اورنگ  
این پدر بنده که خدا انشاء الله اورنگ و  
امثال او را در این ملک باقی بدارد اگر  
اینجا برزده آتوت معلوم میشود این ملک  
با وضیعت ملومات لای دیگر اورنگ ها  
تربیت نمیکند (مصباح است) (مشایخ -  
کمال مصباح است) این اورنگ بنده است  
حالی داشتم شاهنشاهی جو بیعت عزیز مرتضی  
۴ که جواب نظایه را در ۱۷ اردیبهشت که  
۴ ماه بعد ۲۸ مرداد شد - جواب  
نظایه را که آنجا نوشته بودم  
وقتی که اعلیحضرت آن جواب را خواندند  
فرمودند - ترا نگرفته گفتم تقریباً مرا  
نی خود گرفت مراباید گفت برای اینکه  
بنا که من بی لطفی کردند (دکتر بنیاد -  
گرفتن من فاسد بگزارش نوی می شود آنها  
هم می مانند خوب این مقدمه ای بود گفتم  
متأسفم که با تربیت امروز من تربیت نشدم  
که فریز روز یک جور فکر بکنم بکنم من همان  
جور فکر آتوتی است یک جور فکر میکنم  
برویم خوبان ارسلا ن خلع فیری من منصفه  
نیکم بازم میگویم ارسلا بنزله از لاد  
من است از لاد دوست دارم ۸ - سلا قبل  
جلوی داد گسری باور میدم گفتم ارسلا ن  
براز من گوش نکرد تو گوش کن حزب  
ایران هست از حزب توده پوست است  
بناشتر که در روزی در وقت من بودی که  
و کی و اینها هسته این تکلیف داده اند

من از روی طبعه نامرد که مخالف دولت کسی است که به پیوسته تاب انتظار نیاورد...  
 مخالفان در موافقت مبادولتها ماوراء احساسات شخصی خودمان است شا آقايان و طبقه علمبرداران بر همه دارند شا این مشورتی بزرگ را در مقابل تاریخ ایران بر گردن نهادند باین بار این در موافقت آقاان و مخالفان آقايان با دولت به پیوسته نباید نظر شخصی یا امیال شخصی باعث موافقت شا یا بر عکس باعث مخالفت شا شود (صحیح است) حقیقت اینست که پیوسته است با آن موافق باشد و اینرا من خواستارم جا بگیرم من موافق دولت هستم ولیکن مفهوم این موافقت این نیست که ماشین به قران بشوم مفهوم این موافقت این نیست که هر کسی هر چه کرد و گفت بگیرم است و آفرین به پیوسته من با او موافق نظر این نیست و بقیه دارم که وقت خوب فکر کنید همه آقايان نایبندگان بیکایک جز این نظری ندارند (صحیح است) اما موضوع در اینست که جناب آقای ارسلان علمبرتری در دو جلسه قبل بحث بسیار بسیار رسا و آگاهانه با راجع بامیت فرمودند (صحیح است) متأسفانه مجال اینکه دنباله کلام را بجائی که باید برسانند برسانند فرمودند (بگفتن از نایبندگان - وقت نشد) هر ض کرد ضیق و تنگنظر من این بود من از حضوری معتز مشان می خواهم استفاده بکنم که در حدود ادراک و در حدود چیزی را که من استنباط کرده ام از بیاناتشان دنباله همان کلام را بگیرم به بسا نظر فیکری باشد من از حضور آقايان ارباب جرید استدها میکنم که توجه باین هراس من داشته باشند و حتی بقدر تعریف فرمایند چونکه یادآوری بیانات هست بعدی نزدیک بهم که مایه زبور زور بر مناسبت را از دست میدهد خوب دستگامهای دیگری هستند که باندازه کافی تعریف می کنند و نیگذازند آن چیزها را که ما می خواهم گوش مردم برسد شا این نهایت و فرماید که مطالب من تعریف نشود آقايان امنت بر دو نوع است یکی امنت فردی و یکی امنت اجتماعی یک زمانی در طول تاریخ فرد بر هیت جامعه حکومت بگذرد امنت فردی آزادی فردی حتی سرمایه فردی کافی بود برای اینکه هیت اجتماع را بپوشاند و این فرد بود که شاخص عمل دنیا بود لیکن امروز در اثنای هم بیوستگی که هر آن روز بتراید میزود و در هیت اجتماع بوجود آمده است این امنت فردی آزادی فردی و تمام نوا میس فردی تحت الطاع یک چیزی بالاتر و برتر وزیر گذر قرار گرفته یعنی اجتماع امروز شا اینرا دوسر اسر دنیا ملاحظه فرمایند هم از کشور های کمونیست یا دموکراسی هم از کشورهای سرمایه داری سرمایه لیست یک امر است و بالذات که فرد تحت الطاع اضعاف است که فقط نگاه بکنید باین

سرواوی فردی در فرد خودتان و بییند آقاها ما صفایان داده که...  
 ابرو ساد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی بگفت آری و بفلت نوری درونی منجور هیت اجتماعی بالنظره و بعکم اجبار فرد باید تبعیت از منافع بزرگتر عظیم ترور است اجتماع بکنند و بعضی دلیل هم امنت فردی دیگر تکاوی حفظ اجتماع را می کنند بکنند بکلیلی خلی ساده و بیس با افتاده بکنند آقايان میاورد امنت فردی ایجاد بکنند که هر کسی در خانه خودش ممنون از ترضش بخواهد بزدی بسروقت او نرود اینرا امنت فردی ایجاد میکند ولی شا فرض بکنید که این امنت را بعد اهلاهی امکان داشته باشد ولی وقتی صیقل بند شد بهودید که سروشت خودتان و زندان و بچه هایمان دستغوش حوادثی شده است که شا به برای از فرنها هر کسی در و اسیر خود بکنند با انصاف بدهید که کشیا آن امنت فردی را ترجیح میدهد یا این امنت اجتماعی را؟ (عبدالحسین بهنبار - واضعتر فرمایند مفهوم نشد) بله قران چشم می رسم عیب است کسانیا دایه تا این وقت فردی و آزادی فردی را در اندک که چشم نگاهشان قلبه کاشان بصلی است که در آنجا ببدلیل همین اصل مسلمی که من گفتم بهیج وجه من الووجه هیچ کس از اینها امکان خارجی ندارد عبارت اشری کسانیا از تأمین آزادی فردی دم می زنند و می گویند که امنت فردی باید بر امنت اجتماعی بچرید که در قله گاه خودشان یعنی در آنجائی که دیوار آفتابین بدورش کشیده اند برای حفظ امنت اجتماعی آنجائی که میلیونها شخص را در زندان بجز می کشند بواسطه امنت اجتماعی آنجائی که شا آزادی بان مطلب نهاید بعنوان اینکه مبادا گفته شا ما این امنت اجتماع صدمه و طعمه ای برساند آنجا این نیست ولیکن وقتیکه در خارج از کشور خودشان هست امنت اجتماعی آزادی انفرادی را مافوق تمام مواهب روزگار می دانند (صحیح است - احسن) اینست که در دنیای امروز آقايان آزادی به مفهوم واقعی خودش به مفهوم قرن ۱۹ خودش در تمام دنیا در سراسر دنیا مفهوم شا از دست داده چرا؟ چونکه فردا گیر تابع اجتماع است و چون آزادی اجتماعی و امنت اجتماعی چیزهائی را ایجاد بکنند صرامی امنت یعنی امنت اجتماعی شا عقیده خودتان را بگوئید صدر زاغه - آقا از آزادی در مکتب اسلام صحبت میکنند آن مافوق اینهاست (زنک نایب رئیس) تیمور تاش - آقايان موافق باینده هستند یا مخالف باینده (داراب - شما موافق کدام آزادی هستید؟) من موافق آن آزادی هستم که اجتماع را...

آقا بانان را بر سر امانت...  
 تیمور تاش - من موافق آن آزادی هستم که اجتماع را حفظ بکنند به خوب گفت شمس قنات آبادی در سرخم سلامت شکند - اگر سبوتی و باز ایشان انقدر کف نفس داشت که گفت اگر بن نفس بدهند من با کم نیست ولی من این را اجازه می خواهم از حضورش که بگذرد تعریف کنم و بگویم در سرخم سلامت شکند اگر سبوتی و باین معنی که اگر فردی همه امانت در مقابل ظلم و ستم و بیاد فریاد بگیرد در مقابل حفظ امنت اجتماع این قابل انقض است (قنات آبادی - منظور منم همین بود سلام روزنامه های امنت فردی امکان داشته باشد ولی وقتی صیقل بند شد بهودید که سروشت خودتان و زندان و بچه هایمان دستغوش حوادثی شده است که شا به برای از فرنها هر کسی در و اسیر خود بکنند با انصاف بدهید که کشیا آن امنت فردی را ترجیح میدهد یا این امنت اجتماعی را؟ (عبدالحسین بهنبار - واضعتر فرمایند مفهوم نشد) بله قران چشم می رسم عیب است کسانیا دایه تا این وقت فردی و آزادی فردی را در اندک که چشم نگاهشان قلبه کاشان بصلی است که در آنجا ببدلیل همین اصل مسلمی که من گفتم بهیج وجه من الووجه هیچ کس از اینها امکان خارجی ندارد عبارت اشری کسانیا از تأمین آزادی فردی دم می زنند و می گویند که امنت فردی باید بر امنت اجتماعی بچرید که در قله گاه خودشان یعنی در آنجائی که دیوار آفتابین بدورش کشیده اند برای حفظ امنت اجتماعی آنجائی که میلیونها شخص را در زندان بجز می کشند بواسطه امنت اجتماعی آنجائی که شا آزادی بان مطلب نهاید بعنوان اینکه مبادا گفته شا ما این امنت اجتماع صدمه و طعمه ای برساند آنجا این نیست ولیکن وقتیکه در خارج از کشور خودشان هست امنت اجتماعی آزادی انفرادی را مافوق تمام مواهب روزگار می دانند (صحیح است - احسن) اینست که در دنیای امروز آقايان آزادی به مفهوم واقعی خودش به مفهوم قرن ۱۹ خودش در تمام دنیا در سراسر دنیا مفهوم شا از دست داده چرا؟ چونکه فردا گیر تابع اجتماع است و چون آزادی اجتماعی و امنت اجتماعی چیزهائی را ایجاد بکنند صرامی امنت یعنی امنت اجتماعی شا عقیده خودتان را بگوئید صدر زاغه - آقا از آزادی در مکتب اسلام صحبت میکنند آن مافوق اینهاست (زنک نایب رئیس) تیمور تاش - آقايان موافق باینده هستند یا مخالف باینده (داراب - شما موافق کدام آزادی هستید؟) من موافق آن آزادی هستم که اجتماع را...  
 تیمور تاش - بستم نظر آقايان است اگر اجازه فرمائید یکبار دیگر بنده وقت می خواهم داراب - نیساعت وقت بدهید نایب رئیس - آقايان بیکه با یکبار وقت اضافی بفرمائید بفرمایند (اکثر فرخواستند) تصویب شد آقای داراب آقا وظیفه بنده را انجام ندهید آقا وظیفه خودشان و بنده وظیفه خود را انجام میدهم - بفرمایید تیمور تاش - و اما در این امنت اجتماعی که بنده عرض کردم اکثریت اقلیت شرط نیست یعنی اکثریتی این امنت را داشته باشد و اقلیتی نداشته باشد ببدلیل اینکه همواره انقلاب و صاعقه ها بر سر نوشتند از آنجا که سر برنگذار این مسلم است آقايان که ایران چهار راه دنیای جدید است و همین نسبت اگر بگوئیم مورد مضموع و ولع دیگران است مورد علاقه دیگران است امر اینجا دایر است به اینکه باشیم یا نباشیم اگر بخواهیم باشیم باید بسیاری از مهر و مویتهارا بکشیم چه بسا این مهر و مویتهای انفرادی را تحمل بکنیم و اگر می خواهم تا بقیه آن موضوع دیگری است و معمولاً وقتیکه موضوع از نظر است و معمولاً وقتیکه صحبت از نظر می شود آقايان سکوت اختیار می فرمایند برای اینکه توجه داشته باشید (ارباب - آقای شایخی توجه می کنند) (مشایخی - بنده گوش می کنم) حال اام اگر در خود این نهایت هستم توجه فرمایید آقايان کار نظر در برابران فدا یک آخر سرش را طی می کند مغرور باین معلوم شود که سروشت این کج شایکائی که اگر میانه نگردد باشم فرط داش باخونی توام است باخون مظلومی توام است چه خواهد شد

بود چهار سبزه های شدید دشمن بشود...  
 یکی از نمایندگان - معصوم و بالا شکست است (آقا) دیگر مورد استعمال زبانی که مشتقات گوناگون نشاء در دنیا پیدا کرده و ایجاد میکند که فقط دنیا بیشتر بطور عام صادر شود تا بطور صغیر شده این رشته سردار دارد عرض کردم میاورد مجال آن را من داشته باشم که در تمام نکات این مطالب بیکایک بحث بکنم و دلیل و مدرک بیاورم ولی بین عوامل همین عواملی که موجب کوفت نهضت ملی ایران شد به مصداق آموک طایر آمدند پیرا یکدهه از کسانیکه داعیه رهبری مارا داشتند و خیال میکردند که فقط آنها می فهمند فقط چیست آنها را بکجی کجی انانداخت مدوایشان عالمه او صاعقه کجی کجی خوردند عده ایشان فاقول بودند قدر مسلم این است که این فرصتها بیکه می مقابل خزانهای در مقابل فقر و سست قرار گرفت ملت ایران در این بر خاستگی کواجم بنظر کرد تنها نظر اقتصادی نداشت اینرا من صحیح می دانم و حق هم این است و همین بود است ولیک نظر سیاسی مهمی داشت آنهم فراغت از جنگال ظلم و ستم و از مداخله بیگانه در کار خودش (صحیح است) تردید نیست عرض می فرماید آقايان امروز بگوید با عرض است با شما بیگانه اما امروز آقايان امروز هم اگر دنیا و ما خواهان حل مسئله فقط هستیم یک مسائل سیاسی بسیار بزرگی در کار است که آنها را باید توجه داشته باشید آنهم وضیعت استراتژیکی و در دنیاست ما آقايان در وضعیت قرار گرفتیم که دنیا بیابان دارد اینرا ما فراموش میکنیم و تحت تبلیغاتی که میگویند ما تازی بشما نداریم نیرویم دنیا ما نیاز دارد (یکی از نمایندگان - نهاره) داردم بفت شانناز داردم بلالی که خواهم گفت و هم موجودیت شانناز دارد (صحیح است) پس بنابر این نیست که تنه بقاشی رفت و در این زمینه اظهار نظر کرد و داستان ملی شدن فقط ایران چیز تازه ای نبوده است من انشاء الله در مضموع نظر نمایم که در ۲۳ سال پیش بدم به سرجان کفتم و نوشته است و مفهوم ملی شدن این رکن است بر این شاز و پشت این نیروییم خواهم خواند تا بداند چندین ساعت درمورد قرارداد فقط صحبت بکنم بنابر این فلا بطور خیلی خلاصه عرض میکنم زوس مطالب را عرض میکنم و می طرف ما لکن از حق نکند بگویم که دراز یک مقدار زیادی سود پرستی و بامیه اینکه ما بزنند دو خواهم آمد از نظر دیگران ببدلیل اینکه از همین موضوع ملی شدن نفت هم بهره بردننده بهره بردنند جز ما ملت ایران آمریکا با فروش مضایف که از نفت خاور میانه کرده بختین می یارند دلار استفاده کرده و کسی که امروز بجز خودش تیرها بشما میکند

عشرالیاتی که از تراستهای نظم امریکا که...  
 در اثر خرابی نفت ایران صنعت گردانده نیست (احسن) توجه فرمائید بیکایک را که امریکا امروز با میکند و میگوید که من تیرها بشما کوفت میکنم عشر مالیات نفتی که در اثر خرابی نفت ایران تراستهای نفتی امریکا فروخته نیست (صحیح است) انگلیس ضرر نکرده از ملی شدن نفت شا بیکایک بحث بکنم و دلیل و مدرک بیاورم است و امروز هم ۲۱ میلیون لیر سرقتی میگردد (دکتر شاهکار - سیصد میلیون لیره) در روزنامه ها نوشته است چهارده میلیون لیره است (اردلان - بشو ا اینکارها را کرد) عرض کردم دراز تر خط و خطا و اشتباه بوده پس میانیم ما و ما و این فقر و این مسکنت و باین تهدیدیه که اگر شما با موافقت نکنید ما سر کبیرا سفت میکنیم و شا در فقر و بیچارگی و مذلّت خواهید مرد و حال آنکه اینطور نیست در دست است و این را من میگویم کسیکه در تمام جریان ملی شدن نفت و در دوران حکومت صادق مددتر می خواهم سابق صادق را عرض کنم سابق وزیر نام دوران حکومت سابق منم بود که جو به استو سکی است پول گرفته است فلان کرده است اله کرده است پول بده کرده است و لکن من آرزوی حقیقت بین بودم حالام حقیقت بین هستم من حقیقت را میگویم آنچه بزرگه حقیقت دنیائی است یعنی دنیا میانم محتاج به نفت ما هستند ببدلیل فنی (صحیح است) دلیل فنی این است که اولاً نظامنا هنوز هم از لاترین نظر شا خاور میانه است در ذاتی مشتقاتی که از نفت ما گرفته میشود از آن هیچک از نفتیهای خاور میانه گرفته نشود (دکتر جزایری - جنس فقط ما مرغوب است) متأسفانه از مشتقات هم همین است جنس فقط ما بهتر است (عبدالصاحب صفائی - جنس ما مرغوب است) شا میروانید کدر باره شا من این را عاقلی المعیاضه حق میکنم (عبدالصاحب صفائی - من چا کر هستم) پس از نقطه نظر فنی محتاج به نقطه ما هستند از جهت مادی محتاج به نفت ما هستند ببدلیل اینکه معقول نیست آقايان تراستهای که خودشان می آیند ششصد میلیون دلار میدهند برای اینکه شصت درصد از اینها را بخرند و اختصاص بدهند بگویند که برای صدر در شتر سه نیتیم سرقتی مفهوم عرف و عادت پیش از اینهاست این است که من اینجا علاقه مادی و مالی دارم و میتوانم این علاقه مادی و مالی را با این قیمت جبران کنم (داراب - پس آن تبلیغات دروغ بوده است) من گفتم میانیم سر بر سر من گذاریم مجبور میشویم که بیاوریم بروم (بعضی از نمایندگان - میشا چیست؟) میشا اسم کوچک آقا بوده است اسمی است که پدر من بایشان داده است (داراب - اسم پدرشان بوده است) لفتی است که همه مردم کیلان میمانند (داراب - با قضایت یاسم

پهران بوده است کافه دارم میاورد و...  
 نشان میبیم (زنک نایب رئیس) نایب رئیس - آقای داراب ساکت باشید من بشا تذکر میکنم با من در قران پس از جهت مدت مدتی معلوم شد که نایبندگان بیکه ما هستند ببدلیل اینکه معقول نیست بگویند برای شصت درصد از آنقدر سرقتی میبیم بولی راجع به صدر سدش علاقه نداریم و اما جهت دیگر جهت سیاسی این موضوع که بسا در واقع اهم جهات است...  
 نایب رئیس - آقای تیمورتاش و قناتان داردم میبیم (تیمورتاش - باز هم یکبار وقت می خواهم) (بعضی از نمایندگان - وقت میبیم) یکبار بیشتر نشود اجازه دارم که نفر سوم وقتش را بدهم...  
 خلدتبری - بنده برای اینکه دنباله بیاناتشان را تکمیل کنند وقت را بایشان میدهم (احسن - احسن) (تیمورتاش - متشکرم) از قرارداد اطلاع دارید (و) اینترام عرض میکنم که من در این بیانتم بیچرخه مقصود این نیست که چوب لای چرخه دولت بگذارم من در مصاحبه ای که با خواندن آنها کردم گفتم امید و آرزویم این است که از این انتخابات بجا بر مطالب حق دولت استفاده بکنند و برود بشبند و با آنها حل بکنند...  
 عمیلی نوری - رأیست بایش آقای تیمورتاش در امور سیاسی بایست رأیست بود...  
 تیمور تاش - من حقیقت بینم من چیز دیگری ندارم در چند تا از روزنامه ها من جمله روزنامه دنیا نوشته اند که نظر بنده راجع باهمی که از سال سوم بیدم برای آمده است در کار کنسر سیوم بوده است مراعات شده است و اینرا تصحیح کرده من کتا بند خبری که پیدا کردم کتت که منتها اشاره ای شده است باینکه البته بعد از سه سال هم سعی میکنم که تولید را بالا ببرم من چیزها را گفتم و در حضور آقايان و ملت ایران عرض میکنم اینست که قرار دادی را که مدت ۲۵ سال ظاهر شده است سه پنج سال بازده سال قابل تمهید است یعنی چهار سال است این سه سال اولش چیز قابل ملاحظه ای نیست در مقابل آن چیزی که در ظرف ۲۷ سال شا باید داشته باشید حق این بود که - این تزار هم من اینجا ازغان میکنم که بایش جناب آقای مجرودی است حق این بود که شا بیکه پورسانتای ایران و تولید نفت ایران در مقابل نفت خاور میانه میگذاشتند با یعنی که اگر قبل از ملی شدن صنعت نفت ۲۷ درصد صلا میگردد ۳۸ درصد ۳۸ درصد از تولید خاور میانه مربوط بفت ایران بود و در مضموع خود موجود در حدود ۱۰ درصد صنعت است

